

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين

همان طوری که توجه دارید شب های سه شنبه مباحث مربوط به انسان شناسی و شناخت انسان را داریم و اینکه بهترین معرفت ها معرفت نفس است و همچنین شناسایی مسائلی که مربوط به انسان است. شب های قبل معارفی بیان شد و رسیدیم به مطالبی که امشب می خواهیم خدمت شما عرض کنم اما چون مصادف شد با ارتحال عالم بزرگوار و عالم ربانی و عارف ثمدانی حضرت آیت الله حاج شیخ علی ثابتی همدانی آن شخصیت زاهد و وارسته ای که در بیت علم و تقوا و زهد بزرگ شد و عمر خودش را سپری کرد. برادر بزرگوار حضرت آیت الله که از نمازگزاران مسجد ما است و سالیان سال هیئت امنا این مسجد بودند و نایب پدر بزرگوار ما در اینجا بودند و وقتی که حاج آقا نبودند جای ایشان نماز می خوانند و جای من هم ایشان نماز خواندند فرمودند که این جلسه فذکار بعد از نماز مغرب و عشا همین جلسه اخلاق باشد و ما ثواب این جلسه را هدیه کنیم به روح این عالم بزرگوار که عمری را در مسیر علم و درس و بحث و طلبگی **گزراندند.**

ما ثواب این جلسه درس را به روح این بزرگوار و این شخصیت گران قدر هدیه میکنیم. من از نزدیک با ایشان انسی داشتم، در قم که مشرف بودیم، خدمت ایشان می رسیدم ایشان عضو هیئت استفتائات حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی بودند و بعد مدتی در بیت آیت الله اراکی مشغول بودند. این عالم ربانی فقیه بودند و دقت نظر داشتند و ممتحن حوزه بودند و شخصیت وارسته ای داشتند. خدای تعالی روح او را با انبیاء و اولیاء و شهدا محشور بگرداند و ثواب جلسه ما ان شاء الله به روح این بزرگوار برسد. جایگاه انسان را مطرح می کردیم، قرآن کریم وقتی راجع به آفرینش می خواهد بحث کند جهان خلقت را شبیه یک تابلو نقاشی آن چنان ترسیم می کند که همه ویژگی های او در آن قابل رویت است از فرشتگان و آدمیان گرفته تا حیوانات و گیاهان و جمادات کاملاً در او آشکار است. من عذر خواهی می کنم از اعزه و سروران بزرگوار و روحانیونی که در جلسه حاضر هستند و بنده را عفو می کنند و می بخشند که زبان درازی می کنم و در محضرشان تلمذ می کنم و درس پس میدهم. خصوصاً حضرت آیت الله حمیدی حفظه الله که در خدمتشان هستیم و دیگر عزیزان که به مناسبت گرامیداشت یک عالم و دانشمند در جلسه در خدمتشان هستیم. راجع به وجود این موجودات خدای تعالی در قرآن کریم بیان کرده من با سرعت چند نکته ای را در مورد فرشتگان عرض می کنم مثلاً آیات فراوانی داریم که به یکسان نبودن و در یک رتبه نبودن آن ها اشاره می کند و در بعضی از آیات آن ها را مطیع می داند و در بعضی از آیات آن ها را مطاع می داند **مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٍ** آیه ۲۱ از سوره مبارکه تکویر البته این را توجه دارید که آگاهی از مرتبه ها و کمالات فرشتگان تنها برای ما اثر علمی دارد و اثر عملی ندارد و از مدارهای بخش های عملی و انسانی بیرون است.

عمل فرشتگان برای انسان حجیتی ندارد و اسوه انسان نیستند اما بحث علمی دارد راجع به فرشتگاه و کیفیت زندگی و خلقتشان که در قرآن کریم به او اشاره شده است.

راجع به انسان اول سخن از کرامت و فضیلت انسان است و فضیلت های الهی او نسبت به بقیه مخلوقات که خوب باید توجه کنید.

خدای تعالی در آیه ۷۰ سوره مبارکه اسراء به این کرامت و فضیلت الهی که انسان بر همه مخلوقات و موجودات دارد اشاره می کند. وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا

این فضیلت الهی است که خدای تعالی برای انسان قائل شده البته خدای تعالی برخی از انسان ها و بعضی از افراد بشر را بیرون کرده و آن ها را همتای حیوانات و بلکه پست تر از حیوانات شمرده است.

آیه ۱۷۹ سوره مبارکه اعراف أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ

بعضی وقت ها با یک تعبیر حقارت آمیزتری آن ها را نام برده و آن ها را در ردیف شیطان های انسی شمارش کرده شَيَاطِينِ الْإِنْسِ آیه ۱۱۲ سوره مبارکه انعام که این ها از بحث خارج است.

در بین انسان ها بحث از انسان های برجسته ای مطرح می شود که خدای تعالی بر آنها منت گذاشته. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۱۱ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

یک عده ای از بندگان خدا هستند که خدا آن ها را برجستگی داده و از بین جامعه بشری آن ها را جدا کرده و اختیار کرده و انتخاب کرده در حقیقت اجتناب کرده و آن ها مجتبی هستند و این ها یک مجموعه ای از انسان ها در بین آن انسان ها هستند یعنی یک گروهی را اختیار کرده و آن ها را به سوی خودش هدایت کرده است در آیه ۱۳ از سوره مبارکه شورا اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ

یا در آیه ۸۷ از سوره مبارکه انعام در قسمتی از آیه وَ مِنْ آبَائِهِمْ وَ ذُرِّيَّتِهِمْ وَ إِخْوَانِهِمْ وَ اجْتَبَيْنَاهُمْ وَ هَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

این ها را ببیند یعنی از بین انسان ها این گروه ویژگی خاصی دارند و برجسته شدند و از بقیه انسان ها جدا شدند به خاطر آن قابلیت هایی که دارند به خاطر آن ویژگی هایی که دارند این ها جدا شده اند.

این برجسته ترین انسان ها که پیامبران الهی هستند از بین فرزندان حضرت آدم و همراهان نوح و ذریه ابراهیم و یعقوب دست چین شدند.

در آیه ۵۸ سوره مریم أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْرَآئِيلَ وَ مِمَّنْ هَدَيْنَا وَ اجْتَبَيْنَا

این مجموعه افراد جدا شده که انبیا الهی هستند که آل و ریشه آن ها و جایگاهشان را بیان می کند البته انبیا الهی خودشان هم دارای رتبه هستند و همه آن ها یکسان نیستند بعضی از بعضی دیگر فضیلت دارند بعضی از این انبیا بر بعضی دیگر ویژگی هایی دارند و همه آن ها در یک سطح نیستند.

رسول مکرم اسلام اشراف بر همه انبیا دارد و بقیه انبیا هم در یک سطح نیستند یک پیامبری اولوالعزم من الرسل است و پیامبری فقط پیامبر خاندان و قبیله خودش است.

یک پیامبری زود دست به نفرین و دعا بلند می کند ولی یک پیامبری مدت ها طول می دهد و تحمل می کند

پیامبری ۳۳ سال زحمت می کشد و تبلیغ می کند و فقط ۲ نفر به او ایمان می آورند و دیگری ۱۱ نفر به او ایمان می آوردند. فضیلت ها و جایگاه ها و نقش انبیا با یکدیگر متفاوت است. بحث در این رابطه هم زیاد و مفصل است و این را هم بنا نداریم.

اما انسان های عادی که خدای تعالی در قرآن کریم به آن ها می پردازد برای آن ها دو دسته تفاوت بیان می کند

دسته ای از تفاوت ها دست انسان نیست و در صورتی هم که انسان دسترسی به آن پیدا کند معیار فضیلت و کمال حساب نمی شود.

مثل امکانات و توان مالی و قدرت در انجام بعضی از افعال این ها در بعضی ها بیشتر و در بعضی ها کمتر است

تنها ارزشی که این ها دارند این است که زندگی مادی را سامان میدهند و ارزش دیگری ندارند. کسی که وضعیت جسمیش خیلی قوی باشد این بهره برداری های مادی بیشتری دارد یا از نظر مالی، قوه مالی فردی بیشتر باشد.

و همین تفاوت ها باعث می شود که جامعه حرکت می کند و رونق می گیرد. بعضی ها مشغول بعضی امور می شوند و باعث رونق جامعه است اگر این تفاوت های این چینی بین انسان ها نباشد که دست خود انسان هم نیست جامعه مختل می شود.

در آیه ۱۶۵ در قسمتی از آیه سوره مبارکه انعام وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ

چرا؟ به خاطر این که می خواهد آن چیزهایی که به شما داده به وسیله آن ها می خواهد شما را امتحان کند در آیه ۳۲ از سوره زخرف وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِبًا بعضی از بعضی ها تحت سلطه دیگری قرار می گیرند

شما اگر هر شغل و هر کسبی که در جامعه ببینید در آن برای بقای نظام اجتماعی ما یک عده ای تحت سلطه دیگری قرار می گیرند حالا این ها هم در نظام فقهی و حقوقی ما تعریف شده است مثل بحث اجاره و وکالت و ولایت و مباحث مختلف دیگر

این تسخیر که یک عده ای تحت سلطه دیگری قرار می گیرند چکار می کنند؟ زندگی طبیعی انسان را تنظیم می کنند که اگر نباشد واقعا نظام انسانی بهم می خورد. خوب این اموری است که خیلی از آن ها دست ما نیست

اما اموری در حیات انسان مطرح است که معیار برتری و فضیلت و رفعت واقعی به شمار می آید این ها مهم است که الان می خواهیم به این ها بپردازیم.

یکی از آن چیزهایی که خیلی مهم است و در اختیار انسان است و باید این مسیر را طی کند و در حیات انسانی بسیار مورد نظر و توجه است علم همراه با عمل است.

آن چیزی که به عنوان فضیلت از آن نام برده می شود علمی است که همراه با عمل باشد که جان انسان را شکوفا می کند و درجاتی برتر از دیگران برای مومن عالم به ارمغان می آورد.

اگر انسان مومن باشد خدای تعالی او را رفعت می دهد و درجه می دهد و به خاطر مقامات معنوی او و به خاطر بندگی و عبودیت و ایمان او درجه ای به او داده می شود اما اگر همین مومن عالم باشد به او درجات داده می شود.

کسی که ایمان دارد و عالم است و مومن دانشمند چندین درجه دارد. عالم با عمل وارث انبیا است، عالم با عمل وارث پیامبر اکرم است، عالم با عمل وارث اولیاء و ائمه معصومین و وارث آل پیامبر است. کسانی که حرکت می کنند و در این مسیر قدم بر می دارند و سیر می کنند و از محل زندگی خودشان کوچ می کنند و می آیند در حوزه های علمیه برای اینکه وارد شوند به حلقه الذین اتوا العلم و همچنین برای رسیدن به درجات بلند، عالمان با ایمان وارد حوزه های علمیه می شوند.

حوزه های علمیه جایی است که انسان های پاک انسان هایی که ضمیر پاک دارند و فکر و عقیده پاک دارند و هدف پاک و الهی دارند با مجاهده می آیند و سالیان سال اگر همت عالی داشته باشند و خودشان را هم ارزان نفروشند به مقامات عالیه می رسند.

از نظر قرآن کریم عالمان الهی انسان های ویژه ای هستند که وظیفه های خاصی برعهده آن ها است و دیگران هم وظیفه دارند که از این علما بهره برداری های علمی بکنند

اهمیت مطلب وقتی فهمیده می شود و وقتی دانسته می شود که بیاییم ببینیم خدای تعالی هدف آفرینش آسمان های هفت گانه و زمین را و فرود آمدن فرمانش را مقدمه ای برای عالم شدن انسان می داند.

در آیه ۱۲ سوره مبارکه طلاق فرمود **اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا**

خدا همه زمین و زمان را خلق کرد و آسمان های هفت گانه و طبقات هفت گانه زمین همه این ها مقدمه ای برای عالم شدن انسان است.

علمای دین وارثان انبیاء الهی هستند و پیامبران دین را شرح می کنند و علما وارث این انبیا هستند. این علمی که علما از انبیا به دست می آورند این علم ویژگی دارد علم الوراثة است نه علم الدراسه به تعبیر بزرگان از علما

با کار و کاسبی به دست نمی آید.

در ارث یک مالی است که باید حتما نصبی بین شما با کسی که دارید از آن مال را ارث می گیرید باشد به واسطه نصب به شما چیزی را می دهند و کسبی نیست.

در معاملات باید کار کنید و زحمت بکشید تا مالی را کسب کنید و بدست بیاورید اما در ارث کسب نیست آن مال را با نصب به شما می دهند یعنی با وابستگی آن مال را به شما می دهند.

پدر شما و شما فرزندش هستید یک عمر کار کرد و پول جمع کرد و شما اولادش هستید او از دنیا رفت شما می شوید وارث و آن پول را بدون کار و بدون زحمت می گیرید. او همه حواسش به این بود که جمع کند تا بچه هایش زندگی خوبی داشته باشند.

خیلی از افراد انباردار دیگران هستند این هایی که جمع می کنند برای فردا خودشان هرگز آن فردا را نمی بینند دنیا برای همه بهار است و هرگز تابستان دنیا برای اهل دنیا دیده نخواهد شد.

خدای تعالی در قرآن کریم دنیا را زهره می داند زهره و زهره و مشتقات او به معنای شکوفه است در فصل بهار این گل شکوفه است و بعد تبدیل می شود به میوه این میوه در فصل تابستان است و اهل دنیا در فصل شکوفه اش فقط زنده هستند.

یک عمر تلاش می کند و سعی می کند آن موقع که میخواهد از میوه بهره بگیرد به آن می گویند بیا و وقت تمام شد.

حواسشان نیست که باید برای تابستانشان کار کنند تابستانشان این دنیا نیست و دنیای دیگری است. این دنیا محل کسب است شما آیات قران را ببینید راجع به دنیا چه می گوید بیشتر آیات راجع به خرید و فروش است دنیا محل کسب و کاسبی است برای آن زمانی که شما می خواهید از آن تجارت برای خود سود ببری سودش کجاست؟ آخرت. باید برای آخرت کارکرد. در آن دنیا انسان هیچ چیزی در اختیارش نیست و سفره ای را هم که برای او انداخته شد سفره ای ابدی است در دنیا سفره محدود است جمعش می کنند اما در قیامت سفره سفره ای است ابدی

در این ۶۰-۷۰ سال عمر هرچقدر شما آذوقه تهیه کردید برای زندگی ابدی مهم است شما برای زندگی چند ساله ببینید چقدر تلاش می کنید و کار می کنید که همین حیات ۶۰ ساله را جبران کنید، اما آن زندگی که هرگز تمام نخواهد شد و ابدی است و تا وقتی خدا هست آن زندگی هست برای آن چرا ما کار نمی کنیم؟ چرا توجه نداریم؟

از اینجا باید برای آخرت بفرستیم لذا خیلی از افراد پول را جمع می کنند و کار می کنند و تلاش می کنند اما مصرف نمی کنند و انباردار برای دیگران هستند. این تعبیرات تعبیرات روایی ما است

آن کسی هم که بعد از او می آید از چند حالت خارج نیست یا آن اموال را در مسیر خیر و الهی مصرف می کند و یک روح و ریحانی برای متوفی هست اما خیلی وقت ها در آن مسیری که باید مصرف شود آن پول مصرف نمیشود چون بی زحمت به دست آمده است.

آقای مجتهدی می فرمودند به این که فردی ۱۱ بچه داشت و آن ها داشتند همین طوری حرامش می کردند بعد به آن ها گفتند که بابای شما و صیت داشت و راجع به این مال صحبت کرده بود و نکاتی را گفته بود برید در آن مسیری که گفته بود مصرفش کنید اگر مصرف نکنید او می سوزد گفتند خوب بسوزد آن یک نفر است و ما ۱۱ نفریم اگر ما این را مصرف نکنیم ۱۱ نفر می سوزیم اما اگر او بسوزد یک نفر است خوب بسوزد.

این گونه می شود گاهی در متدینین هم دیده می شود که این مال را نمی توانند درست مصرف کنند. خودتان تا زنده هستید به داد خودتان برسید و این را به عهده ورثه نگذارید آن مالی که انسان در زمان حیاتش خیر می کند مثلاً مسجدی را آباد می کند و حوزه ای را کمک می کند و تاسیس می کند و به متولیان او کمک می کند و کتابی را در نشرش کمک می کند این ها چراغ هایی است که پیشاپیش انسان برای آن تاریکی می فرستد

چراغ را همیشه جلو جلو می فرستند نمی گوید من می روم شما چراغ را برای من بفرستید آن کسی که می میرد و وصیت می کند که بعد از مردن من برای من این کارها را کنید این می گوید من مردم و رفتم در تاریکی شما برای من بعداً یک چراغ بفرستید. خوب این چراغ را خودت پیشاپیش بفرست تا آن مسیر روشن بشود و تو در آن نور حرکت کن. چرا این گونه نمی کنید؟ انبیا الهی و علما آمده اند که این ها را به ما یاد بدهند

دنیا زهره است دنیا بهار است و شکوفه است و میوه اش برای آخرت است در دنیا باید برای آخرت کار کرد یعنی انسان باید در این مسیر قدم بردارد. سیر کند و عالم ربانی شود تا بالا بیاید این که گفتیم درجات و رفعت دارد صرف ارتفاع و بالا رفتن در امور دنیا این برجستگی نیست اگر هم برجستگی باشد کاذب است

هرچه انسانی در این دنیا پیش روی می کند و در پست و مقام و مال و ثروت جلو می رود، انحصار طلبی او افزون می شود.

شما در همین مسائل جاری مملکت ببینید مسائل سیاسی و انحصار طلبی ها و حرکات و مسائل پیش رو را ببینید.

الان در روزهای سالگرد پیروزی انقلاب هستیم خیلی مهم است کسانی که برای انقلاب حرکاتی داشتند و فعالیت هایی هم کرده بودند اما می بینیم افزون طلبی ها و تربیت الهی نشدن او را می آورد به سمت انحصار طلبی و حرف هایی می زند که انگار سر شاخه نشسته و بن می برد. همه عقبه را خراب می کند و بررسی می کنیم و می بینیم در طول تاریخ هم این جوری زیاد بوده است. ثروت و مال و قدرت این ها فساد می آورد. هرچه بیشتر شد و هرچه بالاتر رفت رسیدن دیگران به آن جایگاه را دیگر تاب نمی آورد تا بتواند سعی می کند جلوگیری کند.

این رفعت و این برجستگی مذموم است. اهل بیت هشدار دادند از بالا رفتنی که سهل و سریع انجام می گیرد اما پایین آمدنش دشوار است گفته اند بر حذر باشید از آن بالا رفتنی که آسان است و راحت بالا می روید اما وقتی که میخواهد پایین بیاید خیلی به زحمت می آید.

آن ارتفاع و رفعتی ممدوح است که وقتی انسان بر فراز او منظره های الهی را نگاه می کند در یک لذت ملکوتی فرو می رود و ندا می دهد و دیگران را به آنجا فرا میخواند.

انسانی که به این رفعت رسید در روایات داریم که به او رائد می گویند که پیشاپیش قافله سبک بال حرکت می کند و تشنگان را به مقصد می رساند.

رسول خدا امیر المومنین را به عنوان رائد کاروان انسانیت معرفی می کند.

عالم با عمل رائد است همان طور که قائد است و رهبری می کند رائد هم است و تشنگان را به منزل مقصود می رساند حرکت می کند و حرکت می دهد و آن ها را به آنجایی که باید برساند می رساند یکی از آن جلوه های مهم و شفاف از فیض الهی که بهره ی عالمان با عمل است ولایت و دوستی و محبت اهل بیت عصمت و طهارت است.

در یک روایتی است که یونس بن یعقوب نقل می کند به امام صادق علیه السلام عرض می کند آنچه خداوند از محبت و شناخت شما به من اعطا کرده از دنیا و هرچه در او است برای من داشتنی تر است

یعنی محبت اهل بیت را نسبت به دنیا مقایسه کرد به محضی که مقایسه کرد یونس می گوید من این حرف را زدم آثار غضب را در چهره امام صادق (ع) دیدم

دیدم امام صادق (ع) برافروخته شدند و این حالت غضب بر چهره ایشان هویدا شد

بعد در این حال به من فرمودند به این که آیا محبت و ولایت ما را با دنیا و هرچه در دنیا است می سنجی

اصلاً این سنجیدنی است که این گونه تو مقایسه می کنی؟ روایت مفصل است

یعنی اصلاً محبت اهل بیت را نمی شود با چیزی حساب کرد و شمارش کرد

عالم با عمل که رائد است یک همچنین فیضی را برخوردار است. البته این ها به واسطه انقطاعی که از دنیا دارند به خاطر فاصله ای که از دنیا گرفته اند این مقامات را به دست آوردند.

تلاش کردند و زحمت کشیدند عالم شدند، فرزانه شدند و در این مسیر حرکت کردند.

یکی از این شخصیت های بزرگواری که واقعا این ویژگی ها در او است و عالم با عمل بود و زندگی او زاهدانه بود حضرت آیت الله حاج شیخ علی ثابتی همدانی بودند.

خود بنده مکرراً با ایشان در اتوبوس از حرم تا منزل باهم همسفر بودیم و در راه هم راجع به مسائل علمی و گاهی مسائل شهر قم صحبت می کردیم.

مسئول استفتائات بودند و در این سال های آخر در بیت مقام معظم رهبری ایشان تشریف داشتند.

بحث استفتائات را اهلش می دانند که باید یک اشراف کامل علمی بر فقه داشته باشد اصول را بداند و مبانی آن کسی که در دفتر او دارد کار می کند را باید بداند و سوالاتی که می آید را بر مبنای آن روش و آن مرجع بیان کند و ایشان سالیان سال این گونه بودند زهد و انقطاع داشتند.

این انقطاعی که در دعا ما می گوئیم الهی! هب لی کمال الانقطاع الیک کسی که پیوند خودش را با غیر خدا قطع کند این خیلی مهم است. اگر ما بتوانیم جوری زندگی کنیم که از غیر خدا قطع رابطه داشته باشیم چون قطع یک کار اختیاری است شما باید با اراده و تصمیم حرکت کنی و جدا بشی.

قاطع معمولاً کار خودش را می بیند و عنایتی به کار خودش دارد یعنی حضور فاعل در این کار مشهود و مشخص است شما قطع می کنید این کار را

ولی انقطاع دقیق تر است چون دیگر آن قطع کننده در آن نشانی ندارد و پذیرش این قطع در آن نشان داده می شود. انقطاع یعنی یک چیز قطع شده را میبینی

در قطع خود فاعل دیده می شود در انقطاع فاعل دیده نمی شود نتیجه آن دیده می شود.

کمال انقطاع از این دقیق تر است چون انسان به انقطاع خودش هم توجهی ندارد چنین حالتی برای هر کسی پیش نمی آید برای شب زنده داران پیش می آید برای کسانی که اهل تهجد هستند پیش می آید. او که ذکر خدا را در شب می کند و در شب ابتهال دارد و آن که انقطاع را در شب برای خود با تهجد حاصل کرده برای او مقدور است

اگر کسی در روز کارش الهی باشد ولو زیاد هم باشد خدای تعالی در قرآن کریم به پیامبرش می فرماید این کار زیاد روز مانع تبطل تو نباید بشود، مانع انقطاع تو در شب نباید باشد و کار را باید این گونه انجام داد. کار روز اگر الهی بود غباری بر این دل انسان نمیشیند که شب نتواند کارش را انجام دهد

این که در نماز توجه کامل نداریم چون خیلی از کارهای بیرون الهی نیست آن کارهایی که خارج از نماز انجام می دهیم الهی نیست. برای رسیدن به این مقام و رسیدن به این منزلت باید نزدیک شد به کی؟ به اهل بیت

یکی از راه های میان بر که اهل بیت به ما یاد دادند و در حالت علما هم می بینیم این است که ولایت اهل بیت را باید در جان پرورش داد. سنت و صیرت آن ها را باید در جان خودمان رشد بدهیم اگر این گونه شد دیگر شیطان هم نمی تواند تصرفی داشته باشد.

این بزرگواران یکی از رازهای موفقیت خودشان را پیوند با اهل بیت می دانند و ارتباطی که با خاندان عصمت و طهارت دارند محبت اهل بیت اکسیری است برای حیات ما و دنیا و آخرت را آباد می کند.

حسین علیه السلام کشتی نجات امت و چراغ هدایت بشر است آمد درب خیمه برای بار آخر خداحافظی کرد با اهل خیم

به معرکه رفت هرچند لحظه یک بار بالای تل می آمد با صدای بلند عرضه میداشت لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ که بدانند هنوز حسین زنده است
اما یک وقت دیدند صدای اسب حسین علیه السلام آمد شیهه کنان
این مخدرات از خیمه بیرون آمدند صحنه ای را دیدند که این اسب در حالی که یالش به خون آغشته است و
زینش واژگون شده و تیر هم خورده بدون سوار برگشت
نازدانه حسین است آمده جلو می گوید ای اسب پدرم وقتی به میدان می رفت تشنه بود آیا او را سیراب
کردند؟

الا لعنت الله على قوم الظالمين
خدایا دین ما مملکت ما نوامیس ما قرآن ما حوزه های علمیه، مراجع تقلید، علمای ربانی، نیروهای نظامی و
انتظامی، دانشگاهیان و دانشجویان، سربازان گمنام حضرت حجت سلام الله علیه، رهبر معظم انقلاب در پناه
خودت مصون و محفوظ بدار
قلب ولایت حجت بن الحسن را از ما راضی و خشنود بگردان و فرجش نزدیک بگردان